

مخاطب‌شناسی آیت‌الله خمینی در سال‌های منتهی به انقلاب

با روش متن‌کاوی بیابانه‌های ایشان

چکیده:

این تحقیق تلاش دارد تا با کاربست شیوه «متن‌کاوی»^۱ بر روی مجموعه سخنان، پیام‌ها و مکاتبات آیت‌الله خمینی در سال‌های منتهی به انقلاب، برخی فرضیه‌ها یا تصورات کلی در مورد ماهیت انقلاب را به بوته آزمون بگذارد. نتایج استخراج شده از این شیوه تا حد خوبی می‌تواند نشان دهد که بر خلاف برخی از روایت‌ها، مخاطب اصلی آیت‌الله خمینی، در درجه نخست نخبگان، و نه توده جامعه ایرانی بوده است. هرچند با نزدیک شدن به روزهای پایانی انقلاب، این روند به مرور تعدیل شده و توده‌ها سهم بیشتری از پیام‌های ایشان را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین، نتایج این داده‌ها نشان می‌دهند که در عرصه روابط بین‌الملل، هرچند آیت‌الله خمینی به اردوگاه چپ (شوروی) گرایش خاصی نداشت، اما بدون تردید غرب به رهبری آمریکا را دشمن اصلی قلمداد می‌کرد. نتایج استخراج شده، اطلاعات دیگری نیز در اختیار ما قرار می‌دهند که به مواردی همچون شیوه رهبری ایشان و تمرکز بر انواع موضوعات قابل توجه، متناسب با مراحل انقلاب مربوط است.

مقدمه:

برخی روایت‌ها از تاریخ انقلاب مدعی هستند در سال‌های منتهی به انقلاب، اکثر نیروهای مخالف رژیم، به دلیل سرکوب‌های انجام شده تشکیلات منسجم و گسترده خود را از دست داده بودند. بر پایه این روایت، در حالی که اکثر سازمان‌های چپ‌گرا، مجاهدین و حتی نیروهای ملی در زندان بودند و یا از تشکیل ارتباطات سازمانی و گسترده باز مانده بودند، روحانیون ایرانی موفق شدند با شبکه گسترده مساجد در سرتاسر کشور، بزرگترین تشکیلات مخالف رژیم را سازمان‌دهی کنند. در واقع این روایت مدعی است: «انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده از مساجد، فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند.» (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۸۳) بدین ترتیب، زمانی که انقلاب به پیروزی رسید، این شبکه گسترده به طیف مخالفان اسلام‌گرا و روحانیون به رهبری آیت‌الله خمینی کمک کرد تا دست بالا را در میان نیروهای انقلابی داشته و حکومت را در اختیار بگیرند.

از سوی دیگر، تعبیر آشنایی همچون «انقلاب مستضعفان» یا «انقلاب پابرهنگان» حاکی از گیرایی است که به نقش پررنگ فرودستان در انقلاب ۵۷ باور دارد. این تصویری است که پیشتر از جانب برخی محققین به چالش کشیده شده است. برای مثال، «آصف بیات» در کتاب «جنبش‌های خیابانی» با اشاره به مجموعه گزارش‌های مطبوعاتی سال‌های ۵۶ و ۵۷ از ترکیب شرکت کنندگان در راهپیمایی‌های انقلابی می‌نویسد: «در بین این شرکت کنندگان به سختی می‌شد گروهی از حاشیه‌نشینان و سکونت‌گاه‌های تصرف شده مثلاً ساکنان خاک سفید و یا دیگر محله‌های از این دست را مشاهده کرد.» (بیات، ۱۳۹۳: ۷۷) او همچنین به گزارش‌های «جانت باوئر»، انسان‌شناس آمریکایی اشاره می‌کند که در آستانه انقلاب برای حدود ۸ ماه در بین معترضان کار میدانی انجام داده بود و در نهایت گزارش داد: «تا پایان سال ۱۳۵۷، زنان یا مردان بسیار کمی از کم‌درآمدترین محلات تهران در درگیری‌های خیابانی شرکت کردند.» (بیات، ۱۳۹۳: ۷۷)

بیات در ادامه آمارهایی از شمار شهدای انقلاب ارائه می‌کند که با فرضیات پیشین‌اش همخوانی دارد: «از میان ۶۴۶ نفر کشته شدگان تظاهرات خیابانی، (در سال‌های ۵۶ و ۵۷) فقط ۹ نفر، یا به عبارت بهتر، نزدیک به یک درصد از میان آلونک‌نشین‌های تهران بودند. بالاترین نسبت‌ها از میان صنعت‌گران و مغازه‌داران (۱۸۹ نفر)، دانشجویان (۱۴۹ نفر)، کارگران کارخانه‌ها و کارگاه‌ها (۹۶ نفر) و کارمندان دولت (۷۰ نفر) بوده است.» (بیات، ۱۳۹۳: ۷۸)

پرسش‌های اولیه این تحقیق، از همین نظریات آغاز می‌شوند. نخست اینکه به واقع مخاطب اصلی بیانیه‌های آیت‌الله خمینی در سال‌های منتهی به انقلاب کدام اقشار جامعه بودند؟ آیا ایشان توده‌ها و فرودستان را در کانون اصلی بیانات خود قرار داده بود یا لایه‌های نخبگانی همچون دانشگاهیان و روشنفکران و طبقات متوسط را؟ پرسش دیگر اینکه شبکه مساجد چه نقشی در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب بر عهده داشتند؟ آیا همان‌گونه که برخی ادعا می‌کنند، این شبکه به مانند یک تشکیلات سازمان‌یافته در اختیار نیروهای مذهبی قرار داشت که آیت‌الله خمینی در صدر آن قرار می‌گرفت؟ و البته، پرسش‌های دیگری که بر پایه کاوش در مجموعه سخنرانی‌ها یا پیام‌های رهبر انقلاب می‌توان آن‌ها را مورد بررسی قرار داد.

فرض اولیه این تحقیق آن است که به سه دلیل عمده، فارغ از گرایش یا علاقه شخصی افراد و گروه‌ها، عملاً امکان مراجعه مستقیم به توده‌های مردم برای هیچ گروهی، از جمله روحانیت (به رهبری آیت‌الله خمینی) وجود نداشته است.

• دلیل نخست آنکه گستره رسانه‌ها در دوره انقلاب بسیار محدود بوده و تنها اقشار مشخصی از طبقات متوسط یا نخبگان این توانایی را داشتند که مخاطب رسانه‌های غیررسمی قرار گیرند. به صورت مشخص، رادیو، که یکی از رایج‌ترین شیوه‌های ارتباطی برای منتقدان خارج از کشور بوده (همچون آیت‌الله خمینی در دوران تبعید)، در دهه پنجاه کالای به نسبت گران‌قیمتی حساب می‌شده که تنها اقشار نسبتاً مرفه بدان دسترسی داشته‌اند. در هر صورت، نیروهای انقلابی ناچار بوده‌اند مخاطبان خود را متناسب با ابزارهای اطلاع‌رسانی انتخاب کنند.

• دومین دلیل را می‌توان در جنس و رویکرد نیروهای نزدیک به آیت‌الله خمینی دنبال کرد. مشخصاً، اکثر شاگردان و روحانیون نزدیک به ایشان که بعدها به چهره‌های شاخص انقلاب و نظام بدل شدند، از جنس روحانیون سیاسی و به نسبت مدرن جامعه بودند که نه تنها با مسائل روز کشور، بلکه حتی با مسائل روز جهان آشنایی داشته و خود را با آن هماهنگ می‌کردند. برای مثال، مشارکت فعال چهره‌هایی همچون آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری در مباحث مربوط به مارکسیسم نشان می‌دهد که این نیروها با پیشگام‌ترین نخبگان روشنفکری زمان هم‌گام بوده و در فضای فکری همین دایره از نخبگان فعالیت می‌کردند. از این منظر نیز، چهره‌های نزدیک به آیت‌الله خمینی که می‌توانستند نقش مشورتی برای ایشان بازی کنند غالباً در فضای نخبگان و نه توده جامعه فعال بودند.

• سومین و آخرین دلیل، مربوط به سیطره گسترده دستگاه امنیتی بر فضاها و نهادهای رسمی کشور است. در واقع، هرچند شبکه مساجد در دوره پهلوی دوم به شدت گسترش پیدا کرد، اما نباید از نفوذ و نظارت سنگین دستگاه‌های امنیتی، از ساواک گرفته تا شاخه‌های مذهبی حزب رستاخیز بر این شبکه مساجد رسمی غافل شد. در واقع، هرچند گستره مساجد می‌توانست به گسترش بنیان‌های اسلامی در جامعه کمک کند، اما عملاً غیرممکن بود که از این شبکه در راستای فعالیت‌های سیاسی ضدحکومتی استفاده فعالی کرد.

بدین ترتیب، فرضیه این تحقیق آن است که جریان روحانیت و نیروهای مذهبی نزدیک به آیت‌الله خمینی نیز به مانند دیگر گروه‌های فعال در انقلاب، نخبگان اجتماعی، به ویژه نسل جوان و دانشجویان را مخاطب خود قرار می‌دادند و از این نیروها به عنوان حلقه واسط و رابط با توده جامعه استفاده می‌کردند. این فرضیه را در بخش نخست و با تحلیل داده‌هایی از متن سخنان ایشان مورد آزمایش قرار می‌دهیم. در ادامه، برخی روندها در تغییر مخاطب یا شیوه عمل ایشان را بر پایه همین داده‌ها استخراج می‌کنیم و موضوع اولیه را به برخی زمینه‌های دیگر، همچون روابط بین‌الملل و رویکردهای ایشان گسترش می‌دهیم. رویکردهایی که اگر در همان زمان به شیوه متن‌کاوی مورد تحلیل قرار می‌گرفتند، احتمالاً بسیاری از جهت‌گیری‌های بعدی حکومت برآمده از دل انقلاب را قابل پیش‌بینی می‌کردند.

روش و پیشینه پژوهش:

«متن کاوی^۲» را می‌توان یکی از شاخه‌ها و یا انواع روش «داده‌کاوی^۳» قلمداد کرد. داده‌کاوی، اطلاعات را گردآوری و فهرست‌نویسی کرده، سپس اقدام به تولید دانش از بین حجم عظیمی از داده‌ها می‌کند. متن‌کاوی، نمونه‌ای از حوزه داده‌کاوی است که می‌کوشد الگوهای مطلوب از پایگاه دادگان بزرگ بیابد. بطور کلی تعاریف گوناگونی برای داده‌کاوی ارائه شده است. در برخی از این تعاریف، داده‌کاوی در حد ابزاری که کاربران را قادر به ارتباط مستقیم با حجم عظیم داده‌ها می‌سازد معرفی شده و در برخی دیگر، تعاریف دقیق‌تری که در آن‌ها به کاوش در داده‌ها توجه می‌شود اشاره شده است. برخی از این تعاریف عبارتند از:

* داده‌کاوی فرآیند کشف دانش پنهان درون داده‌ها از طریق برقراری روابط و الگوهای مفید است. (شهرابی، ۱۳۸۶:

۳۲)

* داده‌کاوی به بررسی و تجزیه و تحلیل مقادیر عظیمی از داده‌ها به منظور کشف الگوها و قوانین معنادار اطلاق می‌شود که عمدتاً از طریق ساختن مدل‌ها و الگوریتم‌ها، ورودی‌ها را باهدف یا مقصد خاصی مرتبط می‌نماید. (شهرابی، ۱۳۸۶:

۴۳)

* اصطلاح داده‌کاوی به فرآیند نیمه‌خودکار تجزیه و تحلیل پایگاه داده‌ها به منظور یافتن الگوهای مفید اطلاق می‌شود. (قدیمی، ۱۳۸۶)

* داده‌کاوی فرآیندی است از انواع تکنیک‌های مدل‌سازی و آنالیز داده برای کشف الگوها و روابط بهینه داده‌ها که ممکن است برای انجام پیش‌بینی‌های دقیق مورد استفاده قرار گیرد. (Cllier, ۲۰۰۰: ۹۳)

در متن کاوی نیز به مانند داده‌کاوی، تلاش می‌شود تا با ایجاد یا تشخیص برخی الگوها میان داده‌های ورودی، محتوای متن در چهارچوب الگوهایی جدید مورد ارزیابی قرار گیرد. مهم‌ترین تفاوت بین متن‌کاوی و داده‌کاوی این است که متن کاوی بر روی داده‌های غیرساختارمند و نیمه‌ساختارمند مانند داده‌های حاصل از ای‌میل، یا مجموعه سخنرانی‌های غیرمربوط، یا مجموعه مقالات پراکنده تمرکز دارد؛ اما داده‌کاوی با داده‌های ساختارمندی سروکار دارد که از پایگاه‌های داده گرفته شده‌اند. (متولی، ۱۳۹۷)

متن کاوی دارای چندین مرحله در فرآیند پردازش متن به شرح زیر است:

گام نخست) شناسایی قالب یک متن: در این مرحله واژه‌های موجود در یک متن را شناسایی می‌کند و آماده تجزیه و تحلیل می‌شود.

گام دوم) پردازش متن با استفاده از روش‌های آماری: در این مرحله مواردی همچون تجزیه نحوی عبارات، برچسب زنی واژه‌ها و ... با استفاده از روش‌های آماری صورت می‌گیرد.

گام سوم) شناسایی نام‌های موجود در متن: حال با استفاده از روش‌های آماری نام‌هایی مانند مردم، مکان‌ها، سازمان‌ها، مخفف‌های خاص و اشخاص مهم و ... شناسایی می‌شوند تا هیچ ابهامی در متن ایجاد نشود.

گام چهارم) شناسایی الگوها و ارتباط میان عبارات موجود در متن: در این گام، همبستگی میان اطلاعات موجود در متن به خوبی محاسبه می‌شود و همچنین با شناسایی ویژگی‌هایی مانند آدرس، شماره تلفن، ایمیل و ... در متن، الگوهای موجود در آن را کشف می‌کند.

گام پنجم) استخراج نگرش‌های ذهنی مختلف: در این گام با استفاده از تجزیه و تحلیل مقصود نویسنده، می‌توانیم نگرش‌های ذهنی مانند عقیده، احساسات و هیجان موجود در متن را تشخیص دهیم. (متولی، ۱۳۹۷)

در نسخه‌های پیشرفته‌تر، به ویژه آنجا که امکان بهره‌گیری از نرم‌افزارهای جدید، با داده‌های آنلاین و در حال به روز رسانی باشد، متن کاوی به سمت گرایش‌های تحلیل و آنالیز نیت، فهم ذهنی و استخراج فرم‌های مختلف نگرشی اطلاعات مانند احساس، حالت و هیجان نیز حرکت می‌کند. در مرحله تحلیل این دستاوردها، برونداد متن کاوی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آیا کشف دانش صورت پذیرفته است و آیا دانش کشف شده اهمیت دارد یا خیر؟ با اجرای الگوریتم‌ها، داده/ متن استخراج‌شده به فنون مختلفی تحویل داده می‌شود که امکان استفاده مستقیم از اطلاعات استخراج‌شده را از طریق ابزار کشف پیوند یا مصورسازی فراهم می‌کنند. (خاصه، ۱۳۸۹: ۶)

تحلیل‌های بسیار پیشرفته و پیچیده متن کاوی امروزه به صورت گسترده مورد استفاده‌های سیاسی نیز قرار می‌گیرند. برای مثال، باراک اوباما با استفاده از یک تیم محرمانه داده کاوی موفق شد گزینه‌های تبلیغاتی مناسب برای جذب آرای زنان میان‌سال را انتخاب کند. (قربانی، ۱۳۹۱) همچنین، پس از انتشار اخبار جنجالی مبنی بر همکاری «فیس‌بوک» با ستاد انتخاباتی ترامپ برای داده کاوی اطلاعات کاربران، دانشگاه پرینستون، با همکاری موسسه Fidelum Partners، تحقیقات مشابهی را برای پیش‌بینی رییس‌جمهور آینده آمریکا انجام داد و به این نتیجه رسید که اگر «بیل گیتس» نامزد انتخابات بعدی شود از شانس بسیار بالایی برخوردار است.

باید پذیرفت که این دانش به نسبت جدید، با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال بدل شدن به یکی از کاربردی‌ترین علوم، به ویژه در زمینه سیاست است. با این حال و متأسفانه، کاربرد متن کاوی در تحقیقات دانشگاهی علوم سیاسی کشور ما بسیار مهجور و نادر است به ترتیبی که هر چند در حوزه‌های دیگر، به ویژه حوزه فن‌آوری اطلاعات، پژوهش‌های خوبی در این زمینه منتشر شده‌اند، اما نگارنده، حتی موفق به یافتن یک مورد پژوهش مربوط به این شیوه در حوزه علوم سیاسی نشد. شاید نزدیک‌ترین تحقیق در ارتباط با موضوع حاضر، «تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی‌های امام خمینی، در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۶۸» باشد. (فوزی، حسن‌پور، علیزاده سیلاب، ۱۳۹۴) اما این پژوهش نیز از آنجا که بر پایه روش متن کاوی انجام نشده، مجموعه تحلیل‌های آماری خود را صرفاً در سطح طبقه‌بندی شکل سخنان آیت‌الله خمینی (به انواعی چون: سخنرانی، مصاحبه، بیانات) محدود کرده است و در نهایت، به تحلیل کلی این پیام‌ها بر اساس تقسیمات سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی اکتفا کرده است.

در پژوهش حاضر، تلاش می‌کنیم تا با ورود به درون‌مایه سخنان آیت‌الله خمینی، به الگوهایی در کلام ایشان دست پیدا کنیم که می‌توانند معانی و تحلیل‌های جدیدی، فراتر از ظاهر متن‌ها در اختیار ما قرار دهند. با این داده‌های جدید، به سراغ برخی فرضیات و پرسش‌های قبلی خود می‌رویم و در نهایت، شواهدی در رد یا تایید این فرضیات ارائه خواهیم کرد. لازم به یادآوری است که مجموعه متن‌های مورد تحلیل در این پژوهش، به بیانات آیت‌الله خمینی حد فاصل مهرماه ۱۳۵۲ تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷ اختصاص دارد که در مجموعه آثار «صحیفه امام»، جلد‌های سوم تا پنجم را تشکیل می‌دهند.

گفتمان پوپولیستی توده‌ها در برابر گفتمان روشنفکری

اصلی‌ترین فرضیه مورد بررسی این تحقیق، جدال مخاطب‌شناسی طبقات اجتماعی است. در یک سو، طبقات و اقشار فرودست اجتماعی، توده‌های غالباً محروم، روستاییان و مخاطبان شبکه مساجد قرار دارند که مشخصاً حتی در دوره نسبتاً سکولار عصر پهلوی، اولویت اسلام برایشان در سطحی بود که خوراک فکری خود را از مساجد و روحانیون آن دریافت می‌کردند. در سوی دیگر، اقشار، یا اگر بتوان گفت: طبقات متوسط شهری، تحصیل‌کردگان و نخبگانی قرار داشتند که دغدغه‌ها و مطالبات‌شان نه صرفاً معیشتی و نه اصولاً سنتی و مذهبی بود. این گروه دوم، مشکلات کشور را بیشتر سیاسی قلمداد کرده، مبارزات خود را بر پایه تحلیل‌های علمی با ملاک‌ها و مطالبات مدرن بنا می‌کردند. مشخصاً گفتمان چپ در این دوره گسترش و سیطره کم‌نظیری داشت، با این حال منتقدان و مخالفان دیگری همچون نیروهای ملی و لیبرال نیز حضور داشتند که در برخی دغدغه‌های سیاسی همچون آزادی و حقوق بشر با چپ‌گرایان مشترک بودند، و البته دغدغه‌های دیگری از جنس استقلال یا حفظ قانون اساسی مشروطه داشتند که به صورت کلی دغدغه جریان چپ نبود اما در هر صورت مطالباتی مدرن، مترقی و غیرتوده‌ای بود.

با چنین اوصافی، اگر بخواهیم فرضیه شبکه مساجد و مخاطبان توده‌ای برای آیت‌الله خمینی را بپذیریم، باید شاهد غلبه کلیدواژگان مطلوب اقشار و طبقات فرودست در کلام ایشان باشیم. برای سنجش این ادعا، ما مجموعه‌ای از واژگان و تعابیر را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌ایم. دسته‌ای که نشان‌گر، یا نمایندگی‌کننده اقشار به نسبت فرودست با دغدغه‌های صرفاً اقتصادی است، و دسته دیگری که متعلق به لایه‌های بالاتر اجتماعی و ای بسا نخبگان کشور باشد. در جدول شماره ۱، نخستین دسته‌بندی از این کلیدواژگان را می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۱

واژگان گروه نخست (فرودستان / اقتصادی)	واژگان گروه دوم (فراستان / نخبگان / سیاسی)
توده / مستضعف	روشنفکر / نویسنده
کشاورز / دهقان / کارگر	محصل / دانشگاه / دانشجو
فقر / فقیر	قانون / حقوق بشر
دزدی / فساد	اختناق / سرکوب
نان / بیکاری	آزادی / مطبوعات / روزنامه
اقتصاد	فرهنگ / استقلال / استعمار

این نخستین تقسیم‌بندی است که در بخش‌های بعدی تا حدودی تکمیل شده و گاه به مواردی جزئی‌تر تفکیک می‌شود. برای گام نخست، شمار فراوانی هر یک از این واژگان را در دسته‌های مختلف مورد بررسی قرار دادیم. در این راه، دو نکته قابل توجه وجود دارد. نخست اینکه بررسی‌ها بر روی جلد‌های سوم، چهارم و پنجم مجموعه «صحیفه امام» به صورتی تفکیک شده ارائه می‌شوند. این جلد‌ها هر کدام بازه زمانی مشخصی را پوشش می‌دهند که در تحلیل آمارها می‌تواند برای ما حائز اهمیت باشد:

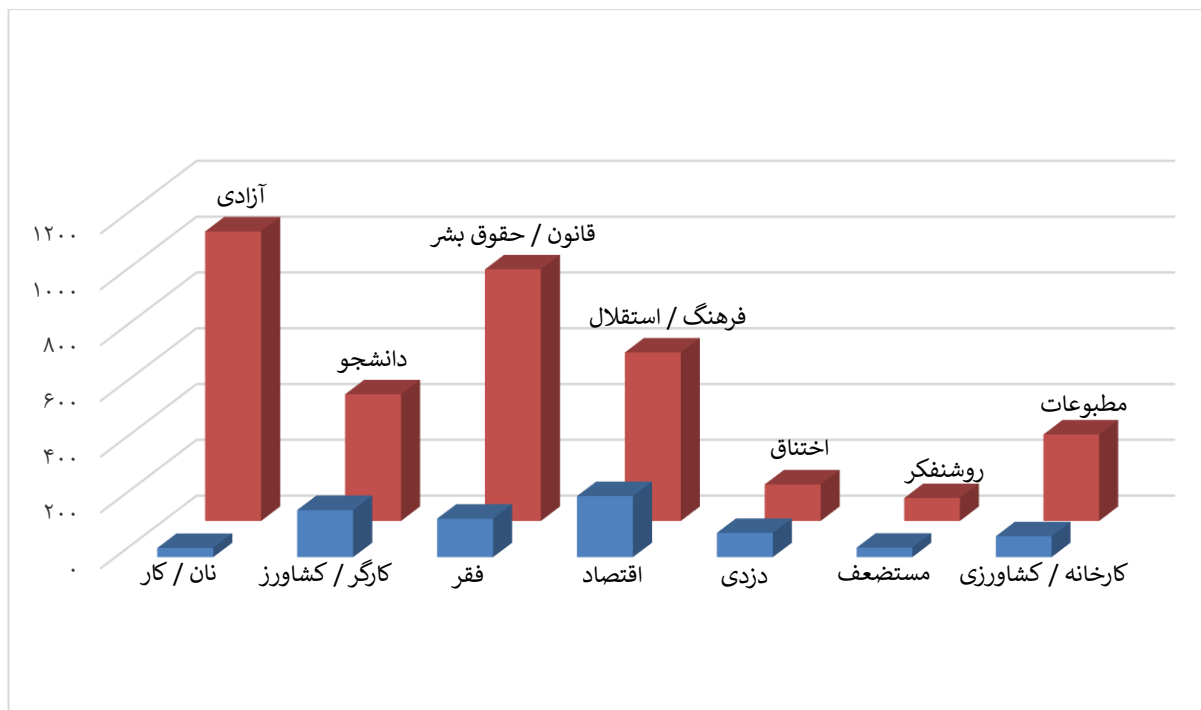
جلد سوم:	مهرماه ۱۳۵۲	الی	مهرماه ۱۳۵۷	(مجموعاً ۵۲۴ صفحه)
جلد چهارم:	مهرماه ۱۳۵۷	الی	آبان‌ماه ۱۳۵۷	(مجموعاً ۵۲۴ صفحه)
جلد پنجم:	آبان‌ماه ۱۳۵۷	الی	بهمن‌ماه ۱۳۵۷	(مجموعاً ۵۵۰ صفحه)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سه جلد کتاب مورد تحقیق، از نظر زمانی بازه‌های متفاوتی را پوشش داده‌اند، اما با روشی که ما در پیش گرفته‌ایم، آنچه بیشتر از بازه زمانی اهمیت دارد، حجم سخنان، و در واقع تعداد واژگان است. از آنجا که حجم صفحات هر سه جلد با تقریب خوبی مشابه هستند، باز هم به صورت تقریبی ما مجموع کلمات هر سه جلد را با هم برابر فرض می‌کنیم. با این فرض، تعداد واژگان یافت شده در هر مورد، می‌تواند به عنوان «چگالی» آن واژه، یا توزیع متوازن فراوانی‌اش در سطح کتاب معیار قرار گیرد. این یکسان بودن مخرج همه محاسبات، به ما کمک می‌کند که بتوانیم اعداد ذکر شده در جداول پیش رو را به راحتی با یکدیگر مقایسه کنیم و از اشتراک و تساوی پایه‌های مقیاسی آن‌ها آسوده باشیم. بدین ترتیب، برای نخستین مقایسه در جدول ۲ بخشی از فراوانی این واژگان را به تفکیک گروه داریم:

جدول ۲

جلد سوم	چهارم	پنجم	کلیدواژه	فراوانی در تمام سه جلد		کلیدواژه	پنجم	چهارم	جلد سوم
۱۲	۱۳	۸	نان / بیبکاری / شغل	۳۳	۱۰۳۸	آزادی	۲۳۷	۴۶۸	۳۳۳
۴۲	۵۵	۷۲	کشاورز / دهقان / کارگر	۱۶۹	۴۵۴	دانشجو / دانشگاه	۱۹۱	۱۵۲	۱۱۱
۴۴	۶۱	۳۳	فقر / فقیر	۱۳۸	۹۰۲	قانون / حقوق بشر	۱۶۷	۲۸۴	۴۵۱
۲۴	۹۵	۱۰۰	اقتصاد	۲۱۹	۷۷۱	فرهنگ / استقلال / استعمار	۱۸۷	۲۸۵	۲۹۹
۸	۳۵	۴۴	دزدی	۸۷	۱۳۱	اختناق / سرکوب	۳۴	۶۲	۳۵
۱۲	۱۳	۹	مستضعف	۳۴	۸۲	روشنفکر / نویسنده	۴۷	۱۸	۱۷
۱۵	۱۶	۴۴	کارخانه / کشاورزی	۷۵	۳۱۰	مطبوعات / روزنامه	۵۵	۱۳۱	۱۲۴

برای ارائه تصویری واضح‌تر از این مقایسه، نتایج این جدول را بر روی نمودار شماره ۱ مشاهده می‌کنیم:



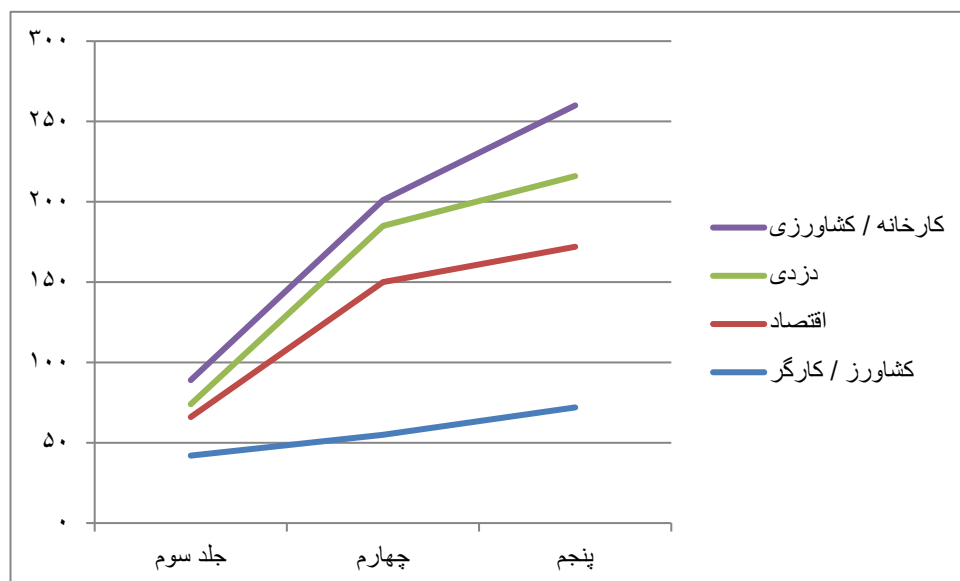
شکاف آشکار میان ادبیات نخبه‌گرا، با ادبیات مناسب و مطلوب برای اقشار فرودست در جداول و نمودار فوق کاملاً مشهود است. داده‌هایی که بیشتر با گزارش‌های آصف بیات (که پیشتر بدان اشاره شد) همخوانی دارد و نتیجه‌گیری‌های او را به نوعی تایید می‌کند. خوشبختانه، پژوهش‌های آماری دیگری نیز وجود دارد که به نوعی با موضوع این بخش همخوانی دارند. برای مثال، محمدحسین پناهی، با تحلیل آماری بر روی مجموعه‌ای از شعارهای انقلاب، با طبقه‌بندی این شعارها بر پایه ملاک‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نتایج جالبی از فراوانی شعارها به دست آورده است: (پناهی، ۱۳۷۹: ۷۲)

جدول ۳

درصد فراوانی	تعداد	زمینه شعارها
۹۷.۵	۸۶۳	وضعیت سیاسی
۰.۸	۷	وضعیت اقتصادی
۰.۷	۶	وضعیت اجتماعی
۰.۵	۴	وضعیت فرهنگی
۰.۵	۵	سایر موارد
۱۰۰	۸۸۵	جمع

با این حال، چند فرضیه دیگر نیز از خلال بررسی نتایج استخراج شده از متن کاوی حاضر قابل تحقیق است. برای این منظور می‌توان نتایج حاصل در جداول شماره ۲ را بر اساس بازه‌های زمانی مورد بازخوانی قرار داد و روند کاملاً ملموسی از تغییر گفتمان آیت‌الله خمینی را مشاهده کرد. در واقع، اگر حرکت از جلد سوم مجموعه آثار، به سمت جلد پنجم را، سپری شدن دوران مقدمات انقلاب (از سال ۵۲) تا فرارسیدن روزهای اوج انقلاب (بهمن ۵۷) در نظر بگیریم، می‌توان مشخصاً دید که ادبیات مناسب برای توده‌های جامعه در این روال کاملاً سیر صعودی به خود می‌گیرند. بخشی از همان نتایج جدول قبلی را این بار بر اساس تفکیک میان سه جلد از مجموعه آثار در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌کنید:

نمودار ۲

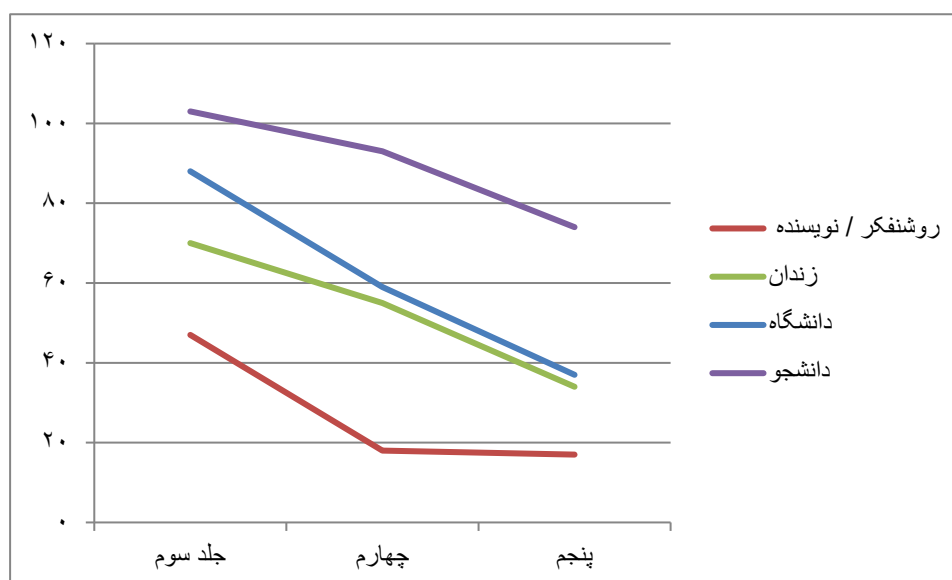


همان‌گونه که قابل مشاهده است، فراوانی سرفصل‌های مورد اشاره برای اقشار فرودست، با نزدیک شدن به آستانه انقلاب روند صعودی دارد. به نظر می‌رسد، فرضیه ما مبنی بر وابستگی بخشی از گفتمان آیت‌الله خمینی، به ابزار رسانه‌ها قابل تایید است. در جریان تبعید در عراق، از آنجا که ایشان به صورت مستقیم نمی‌توانسته‌اند ارتباطی با توده‌های جامعه داشته باشند، مشخصاً تلاش کرده‌اند تا نخبگان دانشگاهی، روشنفکران و دانشجویان را به عنوان پل واسط و رابطی میان خود و جامعه تعیین کنند. این نتیجه‌گیری، با بخشی از سخنان خود ایشان در نجف نیز تطابق دارد: «ما امروز یک دانه آدم را لازم داریم، یک دانه هم برای ما غنیمت است الآن. در یک زمانی که همه قلم‌ها و همه قدم‌ها و همه تبلیغات بر ضد ماها هست، نه رادیو داریم که حرف ما را به کسی برساند، نه مطبوعاتی داریم، نه مطبوعات آزاد است که بگذارند یک کلمه توی آن نوشته بشود، در یک همچو زمانی که ما دستمان بسته است، ما هیچ کار ازمان نمی‌آید، به این معنا که تبلیغاتی نداریم، راهی نداریم، در یک همچو زمانی ما هر فرد را لازم [داریم]». (خمینی، ۱۳۸۹ الف: ۲۴۸)

با صدور فرمان خروج آیت‌الله خمینی از عراق و مراجعت ایشان به فرانسه (۱۰ مهرماه ۵۷)، رفته‌رفته شرایط تغییر کرد. به مرور رسانه‌های جهانی بیشتر به ایشان اقبال نشان دادند و مطبوعات غربی و حتی شبکه‌های رادیویی شروع به انتشار نظرات و سخنان ایشان کردند. در چنین شرایطی، به مرور امکان مخاطب قرار دادن دایره‌های گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی فراهم آمد

و شرایط گفتگوی مستقیم و بی‌واسطه رهبر انقلاب با توده مردم فراهم شد که نتایج آن را در افزایش وزن ادبیات توده‌ای ایشان می‌توان مشاهده کرد.

از سوی دیگر، همین نتایج را می‌توان بر پایه تحلیلی دیگر از شرایط انقلاب مورد توجه قرارداد. بدین معنا که در سال‌های نخستین حرکت، که هنوز ماشین انقلاب به راه نیفتاده بود، تمرکز بیشتر آیت‌الله خمینی بر روی نخبگان، روشنفکران و دانشگاهیان بود تا از آنان به عنوان موتور محرک اجتماعی استفاده کند. اما در ماه‌های پایانی که انقلاب به مراحل راهپیمایی‌های خیابانی و حرکت‌های گسترده نزدیک شد، به مرور مخاطبان ایشان نیز به سمت توده‌های گسترده تغییر پیدا کرد. در هر صورت، ریزش ادبیات نخبه‌گرا و مخاطبان دانشگاهی ایشان نیز به موازات افزایش ادبیات و مخاطبان توده‌ای کاملاً مشهود است که نمونه‌ای از آن را در نمودار شماره ۳ می‌توان مشاهده کرد:

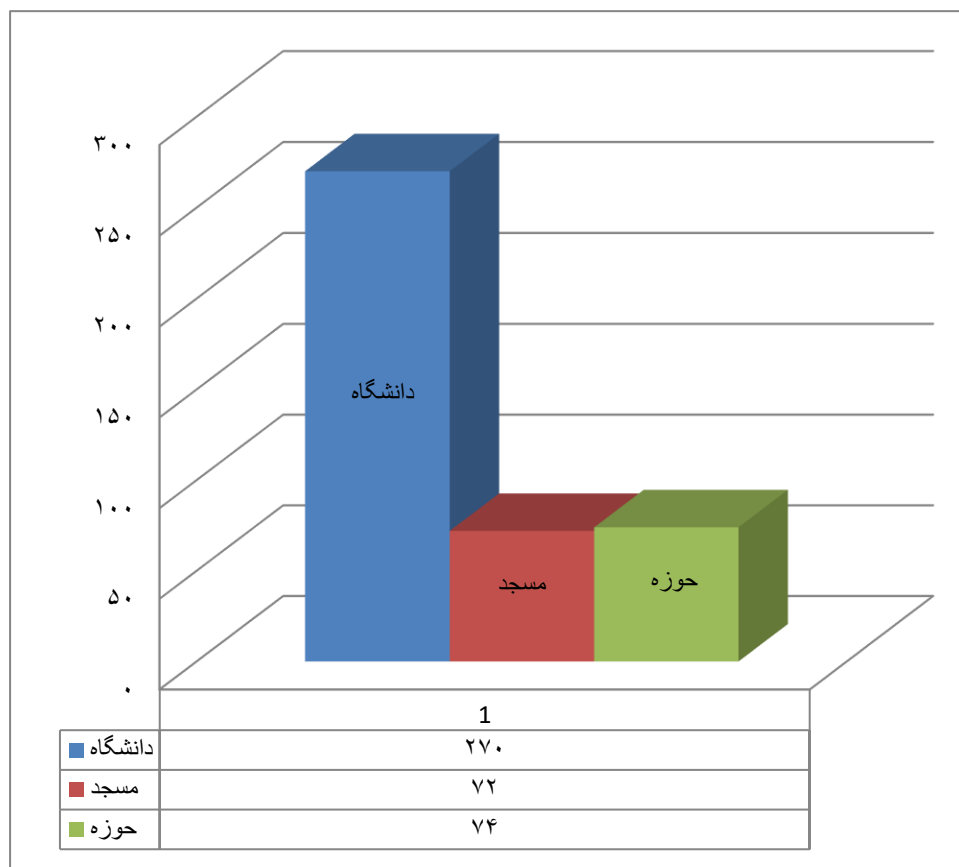


نمودار ۳

دومین روایتی که ما در مقدمه طرح کرده و به چالش کشیدیم، فرضیه شبکه مساجد بود. بر پایه دلایل سه‌گانه‌ای که در بخش مقدمه طرح شد، فرضیه محوریت مساجد در انقلاب، دست‌کم در ابعادی که برخی از حامیان آن ادعا می‌کنند نمی‌تواند حقیقت داشته باشد. برای مثال، پژوهشگری می‌نویسد: «مساجد توانستند با سازمان ارتباطی منسجمی، فعالیت مبارزان انقلاب اسلامی را در سراسر کشور هماهنگ کنند و رسانه‌های رژیم را در بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از کار بیندازند». (جمالزاده، امینیان، ۱۳۹۲: ۱۸۷)

برای پذیرش چنین نظریاتی، باید بازتاب و نمودی از این نقش پررنگ شبکه مساجد را در کلام رهبر انقلاب نیز مشاهده کنیم. به ویژه که رهبر انقلاب خود یک روحانی بود و همین مساله به تنهایی می‌توانست به گرایش و تمایل بیشتر ایشان به سمت شبکه مساجد و روحانیون بینجامد. توقعی که البته با نتایج استخراج شده از مجموع بیانات ایشان سازگاری ندارد. برای یک

مقایسه ساده، اینجا کلیدواژه‌های مربوط به مسجد و حتی حوزه را که می‌توانند به فرضیه شبکه مساجد کمک کنند در برابر نهاد دانشگاه قرار می‌دهیم و نتایج آن را در نمودار شماره ۴ می‌بینیم:



نمودار ۴

تا همین جای کار نیز اختلاف فاحش دانشگاه، با مسجد و حوزه قابل تشخیص و مقایسه است. با این حال، برای دریافت نظری دقیق‌تر، نیازمند آن هستیم که بار خبری واژگان را در دل متن‌ها نیز مورد قضاوت قرار دهیم. در واقع، برای دستیابی به یک نتیجه بهتر در یک تحقیق متن‌کاوی پیشرفته، باید بررسی کنیم که هر واژه‌ای با چه بار معنایی به کار رفته است؟ برای نمونه، در مثال حاضر، آیا آیت‌الله خمینی از مسجد یا دانشگاه با تعبیری مثبت یاد کرده است یا منفی؟ متأسفانه، ما در حال حاضر به نرم‌افزارهای پیشرفته متن‌کاوی در زبان فارسی دسترسی نداریم. در نتیجه، برای یافتن چنین روابطی نیازمند بررسی مورد به مورد تمامی یافته‌ها هستیم که عملاً در این حجم از تحقیق، بدون استفاده از نرم‌افزار کاری غیرممکن است. به صورت خلاصه می‌توان یادآوری شد که بخش عمده‌ای از تعابیر مسجد در بیانیات آیت‌الله خمینی، اشاراتی به مسائل تاریخی (همچون مسجد پیامبر، مسجد ضرار) است و بخشی دیگر به اسامی خاص (همچون مسجد گوهرشاد یا مسجدالاقصی) مربوط می‌شود و مشخصاً ارتباطی به مساجد فعال در کشور ندارند. همچنین، بخش اعظم کاربرد واژه «حوزه» (۶۳ مورد از مجموع ۷۴ مورد) به جلد سوم بیانات ایشان، یعنی زمانی که خود ساکن حوزه نجف بودند باز می‌گردد که لزوماً در ارتباط با مسائل ایران نیست.

از سوی دیگر، در حالی که تقریباً هر بار ایشان از دانشگاه و دانشگاهیان سخن می‌گویند، رویکردی مثبت در متن قابل تشخیص است، در مورد نهاد حوزه مشخصاً وضعیت به گونه‌ای دیگر است. برای نمونه، فقط به چند پیام کوتاه از ایشان اشاره می‌کنیم که در قالب مکتوبات شخصی به برخی نزدیکان‌شان نگاشته شده، اما به هر حال در آمارهای جدول ما ثبت شده‌اند. در غالب این موارد، وضعیت منفی و ابراز نگرانی ایشان حتی در عنوان نامه‌ها نیز بازتاب دارد که به همین دلیل به فهرست مطالب کتاب نیز راه یافته است:

۱- «نامه به آقای محمد شریعت اصفهانی در بی توجهی حوزه نجف به مسائل ایران». در بخشی از این نامه آمده است: «چیزی که مرا رنج می‌دهد بی تفاوت بودن نجف است راجع به قضایای قم و - احیاناً - طرفداری از مخالف؛ وَاللَّهِ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ». (خمینی، ۱۳۸۹ الف : ۱۰۵)

۲- «نامه درباره وضعیت حوزه نجف» (احتمالاً خطاب به آقای مرتضی پسندیده) در بخشی از نامه آمده است: «ماها بحمدالله مزاجاً سلامت، لکن گرفتاری‌ها را خواهید شنید. حوزه را باید گفت منقرض شد یا در شُرْف است مگر خداوند تعالی فرجی عنایت کند». (خمینی، ۱۳۸۹ الف : ۱۲۱)

۳- «نامه به آقای طاهری اصفهانی و ابراز نگرانی از وضعیت حوزه های علمیه». در بخشی از نامه آمده است: «اینجانب خوف یک شکست آخری برای روحانیت دارم که متأسفانه از وضع خودمان پیش خواهد آمد؛ مگر لطف خداوند تعالی ما را بیدار کند که با حُسن تدبیر و عمل به وظایف بتوانیم مدتی دوام پیدا کنیم». (خمینی، ۱۳۸۹ الف : ۲۳۱)

۴- «نامه به آقای مرتضی مطهری درباره اوضاع حوزه های علمیه». در بخشی از نامه آمده است: «مطالبی که مرقوم شده است بسیاری از آن مورد نظر بوده و هست. امید است توفیق پیدا شود که از مفاسد جلوگیری شود. اینکه من از دور بودن شما از حوزه قم و همین طور دور بودن بعضی آقایان که خوب بود در این اوضاع آشفته و هرج و مرج حوزه‌های ما از آن‌ها استفاده کنند، من ناراحتیم برای همین مفاسد منتظره است». (خمینی، ۱۳۸۹ الف : ۳۲۷)

به هر حال، همان‌گونه که اشاره شد، تا زمانی که نرم‌افزارهای پیشرفته متن‌کاوی، متناسب با زبان فارسی بازنویسی و تدوین نشوند، تحلیل‌های ما در این روش همچنان با درصدی از خطا همراه خواهند بود. هرچند با پذیرش همین سطح از خطا نیز به نظر می‌رسد نتایج نمودار شماره ۴ همچنان قابل استفاده هستند. شاید بد نباشد برای تکمیل این بخش، به شیوه تحلیل آماری پیام‌های آیت‌الله خمینی بر پایه مخاطبان نیز استناد شود. نتایج طبقه‌بندی این پیام‌ها در جلد سوم مجموعه آثار را می‌توان در جدول شماره ۴ مشاهده کرد.

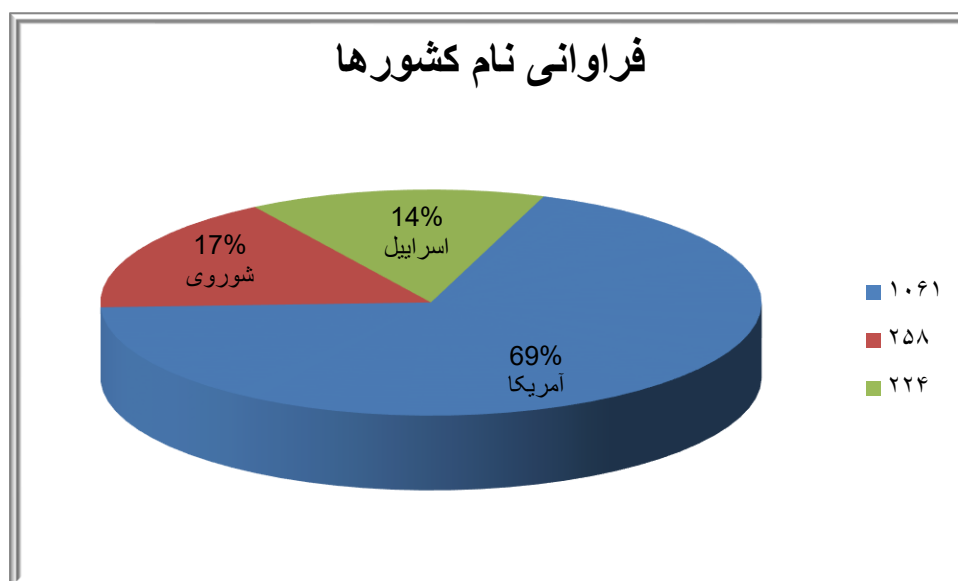
جدول ۴

نوع کلام	تعداد	مخاطب جهانی	ملت ایران	دانشجویان	روحانیون
پیام	۳۸	۴	۲۳	۸	۲ (هر دو تشکر)
نامه	۴	۱	-	-	۳ (گلایه از وضع حوزه)
سخنرانی	۹	-	۱	۲	۶

توضیح اینکه سخنرانی‌های ایشان وابستگی مستقیمی به مکان سکونت و در واقع تبعیدگاه‌هایی داشتند که خود چندان در انتخاب آن‌ها دخیل نبود. طبیعتاً در مدت زمان حضور در نجف، تمامی سخنرانی‌ها در جمع طلاب بیان شد و در مدت حضور در پاریس در جمع ایرانیان مقیم یا جمعیت‌های دانشجویی. نکته دیگر، بررسی کیفیت پیام‌های ایشان است. ۸ پیامی که ایشان خطاب به جمعیت‌ها و تشکل‌های دانشجویی صادر کردند همگی مفصل و تشریحی هستند. در مقابل، تنها دو پیامی که خطاب به روحانیون صادر کردند، اساساً واکنشی بوده به پیام‌های تسلیت ایشان که صرفاً در دو سه جمله خلاصه شده‌اند. جالب‌ترین شاهد اما از میان نامه‌ها به دست می‌آید. در مورد وضعیت سه نامه‌ای که با مخاطب روحانیون نوشته شده نیز پیشتر دیدیم که محتوای این نامه‌ها اتفاقاً گلایه از وضعیت حوزه و روحانیون بوده است.

آخرین ملاکی که برای سنجش مدعای فرضیه شبکه مساجد به کار می‌بریم، نوعی سنجش دیدگاه‌های رهبر انقلاب در مورد بلوک‌های جهانی قدرت است. مشخصاً، در تاریخچه نیم قرن منتهی به انقلاب ۵۷، به دنبال برپایی حکومت کمونیستی در شوروی، جناح روحانیت ایرانی، به ویژه روحانیت معروف به سنتی که بیشتر دغدغه مذهبی داشت تا سیاسی، به کلی از همسایه شمالی رویگردان شد. در واقع، بر خلاف دوران مشروطه و عصر روسیه تزاری که برخی از روحانیون، به ویژه روحانیت سنتی و مشروعه‌طلب، گرایش بیشتری به روسیه داشتند، پس از انقلاب بلشویکی، تقریباً تمامی جناح‌های روحانیت به کل از کشوری که مدعی ترویج فرهنگ کمونیستی بود رویگردان شدند. از این منظر، در غالب موارد، جریان روحانیت سنتی، در جدال میان شرق و غرب، ترجیح می‌داد جانب غرب مسیحی را بگیرد تا شرق کمونیست. جالب اینکه به تجربه در می‌یابیم که معدود روحانیونی که ضدیت با غرب را مقدم بر مخالفت با شوروی قلمداد می‌کردند، روحانیون به نسبت مدرن‌تری همچون آیت‌الله طالقانی بودند که در محیط روشنفکری و تحت تاثیر فضای چپ حاکم بر قشر نخبگان قرار داشتند.

بدین ترتیب، اگر بخواهیم فرضیه شبکه مساجد را بپذیریم، باید شاهد آن باشیم که در ادبیات آیت‌الله خمینی نیز به مانند ادبیات روحانیت سنتی، که با باورهای سنتی و مذهبی توده مردم غرابت بیشتری داشت، خطر تهدید کمونیستی از جانب همسایه شمالی به مراتب در اولویت نسبت به خطر تهدید استعمارگران غربی باشد. این ادعایی است که با مرور کلیدواژه‌های به کار گرفته شده در ادبیات آیت‌الله خمینی مطابقت ندارد:

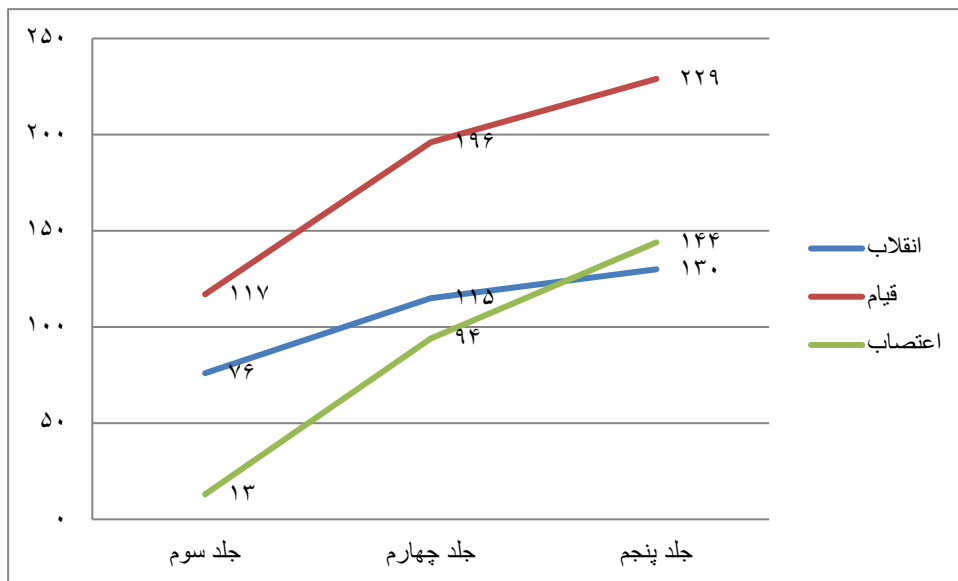


نمودار فوق نشان می‌دهد که رویکرد کلان آیت‌الله خمینی، بیشتر سیاسی و امپریالیسم ستیز بوده است. یعنی اگر نگوییم که پرهیز از حملات گسترده به شوروی کمونیستی، حکایت از نوعی ملاحظه‌گری ایشان برای نزدیکی با گروه‌های چپ‌گرای انقلابی بود، باز هم باید پذیرفت که مساله مذهب در تعیین رویکرد بین‌المللی ایشان نقش اساسی و تعیین کننده را نداشته است. برای مثال می‌توان به یاد آورد زمانی که تعدادی از دانشجویان برای اشغال سفارت آمریکا نقشه می‌کشیدند، گروهی استدلال می‌آوردند که اشغال سفارت شوروی باید در اولویت باشد چرا که شوروی کمونیست است و آمریکا هرچه باشد در نهایت مسیحی و خداپرست. (عبدی، ۱۳۹۵، مصاحبه با روزنامه اعتماد) اما آنچه آمریکا را به شوروی اولویت می‌داد، نه یک خوانش مذهبی، بلکه یک تحلیل سیاسی بود. تحلیلی که یک پای آن در نقد خاستگاه رژیم پهلوی بود و پای دیگری در تحلیل‌های امپریالیسم ستیز جهانی که به جرات می‌توان آن را تحت تاثیر گفتمان چپ، و به هر حال گفتمان روشنفکری جهانی دانست. بار دیگر می‌توان یادآور شد که در جریان کودتای ۲۸ مرداد، بخشی از روحانیت ایرانی، از ترس چپ‌گرایی حزب توده و گسترش نفوذ کمونیسم بود که به دربار نزدیک شد و در کودتا مشارکت کرد. مشخصاً آیت‌الله خمینی از جنس دیگری است که می‌توان آن را برتری تحلیل سیاسی بر تحلیل‌های عوامانه و سنتی قلمداد کرد.

برخی نتایج و یافته‌های جانبی

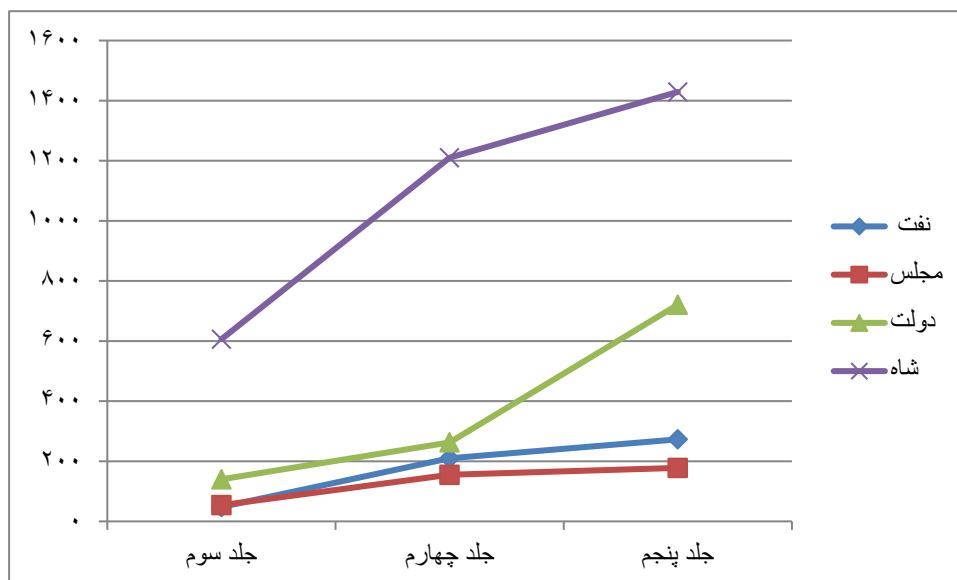
همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز ذکر شد، فرضیات این تحقیق محدود و بیشتر ناظر بر مخاطب‌شناسی آیت‌الله خمینی در جریان مبارزات انقلابی بوده است. با این حال، در جریان کاوش در متن بیانات ایشان می‌توان نتایج جالب دیگری را نیز مد نظر قرار داد که شاید هر یک بتوانند موضوع یک تحقیق مستقل قرار گیرند. در این بخش، به صورتی خلاصه به برخی از موضوعات و نتایج داده‌های مربوط به آن اشاره می‌کنیم.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، با نزدیک شدن به ماه‌ها و روزهای پایانی انقلاب، روال گفتمانی آیت‌الله خمینی درگیر تحولاتی شده است. بخشی از تعبیر مختص گفتمان نخبگان و روشنفکران به مرور تعدیل شده و جای خود را به تعبیری در پیوند با توده مردم داده است. در عین حال، می‌توان این وضعیت را با شتاب گرفتن قطار انقلاب شبیه‌سازی کرد. جایی که ادبیات انقلابی و ضرورت کنش‌های عملی و خیابانی، جای مباحث تئوریک و زیربنایی گذشته را می‌گیرند. این مطلب را می‌توان در سیر تحول پراکندگی برخی از کلیدواژه‌های دیگر جست. برای مثال در نمودار شماره ۶، سیر تحول کلیدواژه‌هایی چون اعتصاب، انقلاب و قیام را مشاهده می‌کنیم که با نزدیک شدن به آستانه انقلاب رو به رشد می‌گذارند:



نمودار ۶

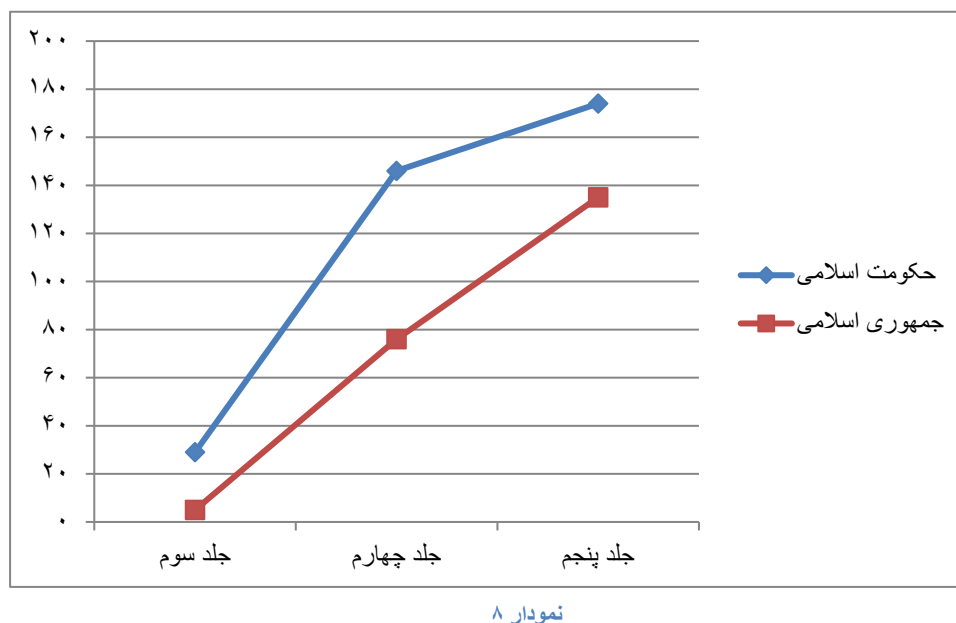
متناسب با همین روند اشاره آیت‌الله خمینی، به ارکان رسمی حکومت و البته موضوعی ملموس و عینی همچون نفت را داریم که باز همگی روندی پرشتاب و صعودی را از خود نشان می‌دهند که در نمودار شماره ۷ قابل مشاهده است:



نمودار ۷

در واقع، نمودار شماره ۷ نشان می‌دهد که با گذار از سال‌های ۵۲ تا ۵۶ که انقلاب بیشتر در سطح مبانی تئوریک قرار داشت و بحث‌های انقلابیون نیز می‌توانست مصادیق زیربنایی و به همین اندازه انتزاعی را در بر بگیرد، در ماه‌های منتهی به انقلاب، انقلابیون و به ویژه آیت‌الله خمینی احساس نیاز پیدا کردند که به صورت مستقیم و صریح در مورد ارکان رسمی حکومت اظهار

نظر کنند. در واقع، با فرا رسیدن روزهای پایانی رژیم، به مباحثی ملموس تر و گاه ایجابی در تشریح رژیم آینده کشور نیاز بود که اثراتش در نمودار فوق نیز قابل مشاهده است. روند مشاهده شده در این نمودار، با رشد به کارگیری تعابیری همچون «حکومت اسلامی» یا «جمهوری اسلامی» به عنوان جایگزین‌های ایجابی و پیشنهادی سازگاری کامل دارد:



دستاورد دیگری که می‌توان از همین داده‌های نمودار شماره ۷ استخراج کرد، کانون توجه انقلابیون است که معطوف به کدام یک از ارکان حکومت بوده. از این نمودار چنین بر می‌آید که شخص شاه، با اختلاف فاحشی بیش از دیگر ارکان حکومت در کلام آیت‌الله خمینی مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن به ترتیب دولت وقت و مجلس و دیگر ارکان سیاسی رژیم قرار دارند. تحلیل مشابهی در تحقیق پناهی بر روی آنالیز شعارهای انقلاب صورت گرفته است. در آن تحقیق، با تحلیل ۸۶۳ شعار سیاسی، مخاطب اصلی شعارها به صورت زیر فهرست شده است: (پناهی، ۱۳۷۹: ۶۹)

جدول ۵

کانون توجه شعار	تعداد	درصد فراوانی
محمدرضا شاه (و سیاست‌هایش)	۴۲۵	۴۹.۳
شاپور بختیار (سیاست‌های دولت)	۱۳۳	۱۵.۴
سایر عمال و بخش‌های رژیم	۱۲۳	۱۴.۳
غیره	۱۸۲	۲۱

شاید در نگاه نخست، تطابق آمار استخراج شده از آنالیز شعارها، با نتایج حاصل از متن کاوی بیانات آیت‌الله خمینی ساده و حتی بدیهی به نظر برسد. با این یادآوری می‌شود که برای آنالیز انجام شده بر روی شعارها، ۴۱۵۳ شعار گردآوری، بازخوانی و طبقه‌بندی شده است که حجم فعالیت ضروری برای تحلیل این حجم داده نیاز به توضیح ندارد. در نقطه مقابل، ابزار متن کاوی

به ما این امکان را داده است که صرفاً با کاوش در چند متن از پیش آماده، با انتخاب چند کلیدواژه و زمانی به مراتب ناچیز در مقابل آنالیز قبلی، نتایج کاملاً مشابهی استخراج کنیم. همین مقایسه ساده می‌تواند به خوبی اهمیت و کارآمدی شیوه مدرن متن‌کاوی را به ما یادآوری کند.

نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که در فرضیات نخست پیش‌بینی می‌شد، نتایج متن‌کاوی بیانات آیت‌الله خمینی نشان می‌دهد که نخبگان اجتماعی، به ویژه دانشجویان، دانشگاهیان، روشنفکران و طبقات بالاتر جامعه بیش از اقشار فرودست مخاطب پیام‌های رهبر انقلاب قرار داشتند. مشخصاً آیت‌الله خمینی در طول سال‌های مورد پژوهش (۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷) تلاش داشته تا با تهییج نخبگان اجتماعی، آنان را در گام نخست برای مقابله با رژیم پهلوی همراه سازد، و در گام بعدی از این نخبگان به عنوان پل واسط برای برقراری ارتباط با دیگر اقشار اجتماعی استفاده کند.

همچنین نتایج به دست آمده، با فرضیاتی مبنی بر نقش محوری شبکه سازمان‌دهی مساجد سازگاری ندارند. از این روی باید پذیرفت که آیت‌الله خمینی نیز به مانند دیگر گروه‌های انقلابی، از جنبه راه‌های ارتباطی و ابزارهای سازمان‌دهی، گرفتار سرکوب‌های سیستماتیک حکومت پهلوی و محدودیت‌های فضای اختناق‌آلود بوده است. در این راه، ایشان نیز (احتمالاً به مانند دیگر گروه‌های انقلابی) دانشگاه‌ها را یکی از کانون‌های قابل اتکا برای حرکات انقلابی تشخیص داده و حساب ویژه‌ای بر روی دانشجویان فعال باز کرده‌اند.

از سوی دیگر، نتایج حاصل از این کاوش نشان می‌دهد رویکرد سیاسی آیت‌الله خمینی به انقلاب، برتری آشکاری نسبت به رویکردهای اقتصادی یا فرهنگی داشته است. دلایل این رویکرد ممکن است در تناسب با ابزار و رسانه‌های موجود، علایق و دغدغه‌های مخاطبان و یا تحلیل‌ها و رویکردهای شخصی خود آیت‌الله خمینی باشد که ریشه‌یابی آن موضوع این پژوهش نبوده، اما در جمع‌بندی نهایی می‌تواند بر اقتصادی بودن انگیزه‌ها یا محرک‌های انقلابی، دست‌کم در نظرگاه رهبر انقلاب خط بطلان بکشد.

همه این نتایج، باید با در نظر گرفتن سیری از تغییر و تحول در گفتمان رهبر انقلاب در نظر گرفته شوند که نشان می‌دهد رویکردهای ایشان، اعم از مخاطبان پیام یا محتوای آن در طول سال‌های انقلاب ثابت نبوده و به مرور دست‌خوش برخی تغییرات شده است. این تغییرات را می‌توان به صورت کلی، از یک سو حرکت به سمت گفتمان توده و از سوی دیگر حرکت به سمت مواجهه با نهادهای واقعی و ارائه راه‌حل‌های ایجابی برای تشکیل حکومت جدید قلمداد کرد.

منابع:

- بیات، آصف (۱۳۹۳)، *سیاست‌های خیابانی*، اسدالله نبوی چاشمی، تهران، علوم اجتماعی و سیاسی
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹)، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب»، *فصل‌نامه علوم/اجتماعی*، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۱۱ و ۱۲، (۶۳ تا ۸۴)
- جمالزاده، ناصر، امینیان، مهدی (۱۳۹۲)، «نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی»، *مطالعات فرهنگ/ارتباطات*، سال چهاردهم، شماره ۵۶ (۱۶۳ تا ۱۹۰)
- خاصه، علی اکبر (۱۳۸۹)، «داده‌کاوی، متن‌کاوی و وب‌کاوی؛ تعاریف و کاربردها». *مجله الکترونیک ارتباط علمی*. شماره ۵۵، (۱-۶).
- خمینی، روح‌الله، الف، ۱۳۸۹، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)* ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- خمینی، روح‌الله، ب، ۱۳۸۹، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)* ج ۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- خمینی، روح‌الله، ج، ۱۳۸۹، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)* ج ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- سماتک (۱۳۹۷)، «داده کاوی رئیس‌جمهور آینده آمریکا را پیش بینی می کند»: goo.gl/Qfwrtn
- شریف‌پور، رضا (۱۳۸۰)، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- شهرابی، جمال. (۱۳۸۶) *داده کاوی*. مؤسسه پژوهشی داده پردازان گیتا و جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیر کبیر. تهران، چاپ اول.
- عبدی، عباس (۱۳۹۵)، «علت مخالفت احمدی‌نژاد با اشغال سفارت آمریکا»، مصاحبه با روزنامه اعتماد، به نقل از خبرگزاری ایسنا: goo.gl/mWJUvp
- فوزی، حسن‌پور، علیزاده سیلاب (۱۳۹۴)، «تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی‌های امام خمینی، در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۶۸»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی*، شماره ۴۳. (۱۷۹ تا ۱۹۲)
- قدیمی، یوحنا. عباسی، علی. پاشایی، کاوه. «مقدمه‌ای بر داده‌کاوی و اکتشاف دانش» slideshare.net/dataminers و ece.ut.ac.ir/dbrg/seminars/specialdb/2006
- قربانی، رسول (۱۳۹۱)، «رازهایی از تیم محرمانه داده‌کاوی که به پیروزی اوپاما در انتخابات کمک کرد». *مجله اینترنتی راه پرداخت*، <https://way2pay.ir/18248>
- متولی، افشین (۱۳۹۷)، «متن‌کاوی چیست؟»، *مجله اینترنتی نیک‌ترجمان*: <http://niktarjoman.ir/2018/08/06/%D9%A5%D8%AA%D9%A7-%DA%A9%D8%AV%D9%A8%DB%8C-%DA%A7%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F>

Collier, Ken of KPMG Consulting and Held, Gerhard of SAS. Data mining Quality •
.in manufacturing data .October 2007 . . .